# فهرست مطالب

[خطبه اول 2](#_Toc428787716)

[بذل و بخشش در قرآن 2](#_Toc428787717)

[معروف و مغفرت دو کلمه مبنایی جامعه و خانواده 2](#_Toc428787718)

[مصادیق معروف و مغفره 3](#_Toc428787719)

[شروط انفاق 4](#_Toc428787720)

[مثالهای قرآن در مورد انفاق 5](#_Toc428787721)

[خطبه دوم 6](#_Toc428787722)

[آزمایشات الهی 6](#_Toc428787723)

[انقلاب اسلامی یک اعجاز الهی 7](#_Toc428787724)

[انواع نقشه های دشمن 8](#_Toc428787725)

# خطبه اول

اعوذ باللّه السمیع العلیم من الشیطان الرجیم بسم اللّه الرحمن الرحیم **الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِی هَدَانَا لِهَذَا وَمَا کنَّا لِنَهْتَدِی لَوْلَا أَنْ هَدَانَا اللّه[[1]](#footnote-1)؛ ثم الصلاة و السلام علی سَیِّدِنَا وَ نَبِیِّنَا أَبِی الْقَاسِمِ مُحَمَّدٍ وَ عَلی آله الأطیَّبینَ الأطهَرین لاسیُّما بقیة‌اللّه فی الارضین.**

اعوذ باللّه السمیع العلیم من الشیطان الرجیم بسم اللّه الرحمن الرحیم **«یا أَیهَا الَّذِینَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَلْتَنْظُرْ نَفْسٌ مَا قَدَّمَتْ لِغَدٍ وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ خَبِیرٌ بِمَا تَعْمَلُونَ»[[2]](#footnote-2)عِبادَالله اُوصیَکُم وَ نَفسیِ بِتَقوَی اللّه وَ مُلازِمَة اَمرِه وَ مُجانِبَة نَهیِه وَ تَجَهَّزوا رَحِمَکم اللّه، فَقَد نُودِیَ فیکُم بِالرَّحیل وَ تَزَوَّدوا فَإِنَّ خَیرَ الزّاد التقوی.**

همه شما برادران و خواهران گرامی و خودم را در دومین جمعه ماه مبارک رمضان و در این پایگاه بندگی و عبودیت خداوند و وحدت و انسجام صفوف مسلمین، شمارا به تقوای الهی و ذکر و یاد خداوند و شکربر نعمت‌های بیکران الهی سفارش و دعوت می‌کنم.

# بذل و بخشش در قرآن

در سوره بقره از آیه 260 تا 274، 14 آیه مبارکه هست که با بحث انصاف و بذل و بخشش و گذشت درراه خدا ارتباط دارد و بعد از 14 آیه، چند آیه در مسئله ربا ازلحاظ تخلفات اقتصادی نازل‌شده است.

**«قَوْلٌ مَعْرُوفٌ وَمَغْفِرَةٌ خَیرٌ مِنْ صَدَقَةٍ یتْبَعُهَا أَذًی وَاللَّهُ غَنِی حَلِیمٌ»[[3]](#footnote-3)**

خداوند در این آیه می‌فرماید: «سخن نیکو و بخشش از صدق‌هایی که به دنبال آن آزار و اذیت باشد بهتر است.»

پس این آیه می‌فرماید: بذل و انفاق به همهٔ مستمندان با همهٔ ثواب‌ها و اجرهایی که دارد اما با نیت الهی نباشد یا همراه با منت و آزار دیگران باشد بهتر است صدقه را ندهید ولی رعایت احترام به دیگران را داشته باشید. این نکته تربیتی است که از این آیه برداشت می‌شود. نمونه روابط خوب در جامعه اسلامی این است که:

اولاً: انسان خوب و نیکو با دیگران صحبت می‌کند.

ثانیاً: اگر از دیگران به او بدی رسید بذل و بخشش داشته باشد.

# معروف و مغفرت دو کلمه مبنایی جامعه و خانواده

با افراد به‌خوبی سخن بگویید و اگر مورد طعن و اذیت قرار گرفتید بخشش داشته باشید. یک جامعه و خانواده باید دو کلمه را مبنای خود قرار دهند**: «قَوْلٌ مَعْرُوفٌ وَمَغْفِرَةٌ»[[4]](#footnote-4)**

1) سخن خوب و نیکو نه حرف تند و آمیخته با اذیت و آزار.

2) بخشش یعنی هنگامی‌که مورد تعرض قرار می‌گیریم مگر آنجایی که خداوند خود دستور داده نباید ببخشیم.

احادیث زیادی دراین‌باره آمده است:

**«الْمُسْلِمُ مَنْ سَلِمَ النَّاسُ مِنْ لِسَانِهِ وَ یدِه»[[5]](#footnote-5)**

«مؤمن و مسلم کسی است که مردم از دست زبان او در امنیت باشند.»

# مصادیق معروف و مغفرت

حرفی که در آن غیبت، استهزاء، مسخره و آزار دیگران باشد قول منکر است و قول معروف کلام نرم، متین، منطقی و به‌دوراز غیبت و تهمت و ناسزا است. البته به‌تناسب آیه مفسرین مصداق فرموده‌اند:

- یکی از مصادیق قول معروف و مغفرت این است که کسی برای کمک به شما مراجعه می‌کند و می‌خواهد مشکلی را از او دفع کنید و متین و مؤدبانه مشکل خود را به شما مطرح می‌کند اینجا جای قول معروف است. اگر نمی‌توانید مشکل او را حل کنید با نیکی با او برخورد کنید و رعایت شخصیت او را داشته باشید.

- مصداق دوم این است که به شما مراجعه می‌شود و درخواست خود را با تندی بیان می‌کند اینجاست که مغفرت یعنی که بخشش داشته باشید و علی‌رغم تندی او خود را کنترل کنید.

و در آخر آیه می‌فرماید**: «وَاللَّهُ غَنِی حَلِیمٌ»[[6]](#footnote-6)**

همان‌طور که می‌دانید این اوصاف خداوند که در آخر آیه می‌آیند متناسب با متن آیه است. در این دو آیه دو صفت خداوند آورده شده:

1- بی‌نیازی مطلق خداوند

2- بردباری و حلیمی خداوند

پس این دستوراتی که خداوند به ما داده است بر اساس نیاز خداوند نیست بلکه برای کمال روحی و معنوی خود ماست. دستورات خدا و فرامین الهی، این‌ها باری بر دوش ما نیست بلکه منشأ آزادی ماست. روزه و تکالیف الهی، انفاق درراه خدا، رسیدگی به دیگران و برخورد با دیگران برای ما آزادی از شر شیطان و هوای نفسانی، رهایی از قیدوبندها، کمال روحی ماست. روزه برای این است که جان ما در پرتوی گرسنگی و تشنگی به کمال الهی برسیم. فیوضات معنوی را در فروبستن کسب کنیم زیرا همه تکالیف الهی این‌گونه است. انفاق که می‌کنیم یا می‌خواهیم با دیگران حرف بزنیم حرفمان، انفاقمان آمیخته با گناه نباشد، آمیخته به آزار دیگران نباشد و حیثیت دیگران را سرکوب نکنیم. این کمال شماست و خداوند هیچ نیازی ندارد و در ادامه آیه آمده است که خداوند حلیم است یعنی اگر خداوند بر اساس بردباری و حلیم عمل نمی‌کرد همهٔ ما در همین دنیا باید در عذاب الهی بسوزیم.

خداوند بنده خود را فوراً مؤاخذه نمی‌کند و راه توبه را باز گذاشته است و شمارا دعوت به بازگشت کرده و طبق احادیث در ماه مبارک رمضان بیشتر باب توبه باز است و همچنین در شب و روز جمعه بیشتر درهای رحمت الهی به روی ما باز است و این‌ها همه لطف و حلم خداوند است. خداوند سفره پربرکت دعا، توبه و تضرع را برای شما پهن کرده است تا ناامید نشوید و برگردید. خداوند بر اساس حلم خود از شما خواهد گذشت.

# شروط انفاق

در آیه بعد خداوند می‌فرماید**: «یا أَیهَا الَّذِینَ آمَنُوا لَا تُبْطِلُوا صَدَقَاتِکمْ بِالْمَنِّ وَالْأَذَی کالَّذِی ینْفِقُ مَالَهُ رِئَاءَ النَّاسِ وَلَا یؤْمِنُ بِاللَّهِ وَالْیوْمِ الْآخِرِ فَمَثَلُهُ کمَثَلِ صَفْوَانٍ عَلَیهِ تُرَابٌ فَأَصَابَهُ وَابِلٌ فَتَرَکهُ صَلْدًا لَا یقْدِرُونَ عَلَی شَیءٍ مِمَّا کسَبُوا وَاللَّهُ لَا یهْدِی الْقَوْمَ الْکافِرِینَ»[[7]](#footnote-7)**

«ای کسانی که به خداوند ایمان آورده‌اید صدقات خود را و کارهای خیر خود را و قدم‌های نیک خود را با منت و آزار باطل نکنید، مانند کسانی که اموال خود را برای ریا انفاق می‌کنند و ایمان به خداوند و روز قیامت ندارند.»

در این آیه یک آداب و شرایطی برای انفاق استفاده‌شده است که تاکنون سه مورد در این آیات آمده است:

اولین شرط انفاق مثل هر کار نیک دیگر باید برای خدا باشد، کاری که برای خدا نباشد ارزش معنوی ندارد و باقی نخواهد ماند.

دومین کار نیک و خیر به دیگران که با منت همراه نباشد.

سوم همراه با آزار و اذیت نباشد.

مرحوم علامه طباطبایی می‌فرماید که: منظور از **«وَلَا یؤْمِنُ بِاللَّهِ وَالْیوْمِ الْآخِرِ»[[8]](#footnote-8)** این نیست که اصلاً ایمان به خدا و روز قیامت نداریم یعنی هر گناهی که انسان انجام می‌دهد در محدوده آن گناهی که انجام می‌دهد اینجا ایمان ضعیف شده و ازدست‌رفته است. گاهی انسان اساس ایمان را ازدست‌داده و اعتمادی ندارد و گاهی این است که اعتقاد دارد ولی قوی نیست که در همه اعمال حاکم باشد به همان اندازه که انسان مرتکب گناه و معصیت می‌شود به همان اندازه ایمان خود را به خدا و روز قیامت که اساس کمال انسان است از دست می‌دهد.

# مثال‌های قرآن در مورد انفاق

**«فَمَثَلُهُ کمَثَلِ صَفْوَانٍ عَلَیهِ تُرَابٌ فَأَصَابَهُ وَابِلٌ فَتَرَکهُ صَلْدًا لَا یقْدِرُونَ عَلَی شَیءٍ مِمَّا کسَبُوا وَاللَّهُ لَا یهْدِی الْقَوْمَ الْکافِرِینَ»[[9]](#footnote-9)**

مَثَل‌هایی که در قرآن آمده است مَثَل‌های بسیار عالی و با مضامین بسیار متنوع و جالبی است. در این 14 آیه از سوره بقره چهار مَثَل آمده که بیشترین آن‌هم مربوط به کشاورزی و امثال آن است. دو مثال برای انفاق درراه خدا و دو مثال دیگر انفاق و کارهایی برای غیر خداست.

اولین مثالی که برای خدا و انفاق درراه خدا باشد **«کمَثَلِ حَبَّةٍ»[[10]](#footnote-10)** است.

مثال دوم برای انفاق‌هایی غیر از خداست. در اینجا خداوند مثالی می‌زند فرض کنید در کوهی یا جایی که همه سنگ است روی یک سنگ سخت کسی مقداری خاک ریخته باشد و روی آن خاک می‌خواهد کشاورزی کند در این شرایط ناگهان باران شدیدی شروع به باریدن می‌کند و همه این خاک‌ها را می‌برد و از بین می‌برد و باز همان سنگ سخت باقی می‌ماند پس در اینجا کشاورزی هم اثری ندارد.

خداوند می‌فرماید: انفاقی که درراه خدا نباشد، آن قدمی که برای خدا برداشته نشده باشد مانند کشاورزی بر روی آن صخره سنگ است.

**«وَاللَّهُ لَا یهْدِی الْقَوْمَ الْکافِرِینَ»[[11]](#footnote-11)**

و خداوند قوم کافر را هدایت نمی‌کند مثال‌های دیگری نیز در قرآن آمده است مثلاً در سوره ابراهیم آیه 17 تا 18 است که روی کل اعمال کفار آمده است.

**«مَثَلُ الَّذِینَ کفَرُوا بِرَبِّهِمْ أَعْمَالُهُمْ کرَمَادٍ اشْتَدَّتْ بِهِ الرِّیحُ فِی یوْمٍ عَاصِفٍ لَا یقْدِرُونَ مِمَّا کسَبُوا عَلَی شَیءٍ ذَلِک هُوَ الضَّلَالُ الْبَعِیدُ»[[12]](#footnote-12)**

مَثَل اعمال کفار این است: «اعمال کسانی که به پروردگارشان کافر شدند، همچون خاکستری است در برابر تندباد در یک روز طوفانی! آن‌ها توانایی ندارند کمترین چیزی ازآنچه را انجام داده‌اند، به دست آورند؛ و این همان گمراهی دورودراز است!»

مثل آن افرادی است که کار بد کردند، وقتی به زندان می‌روند آن‌وقت می‌فهمند، چشم‌هایشان باز می‌شود، که چطور خلاف‌ها مرتکب شده‌اند. مرگ یک‌حالتی است که همه این خلاف‌ها را رو می‌کند و آن‌وقت آدم می‌فهمد که « **هُوَ الضَّلَالُ الْبَعِیدُ** ».

**«بِسْمِ اللّه الرحمن الرحیم، وَالْعَصْرِ، ان الْإِنْسَانَ لَفِی خُسْرٍ، إِلَّا الَّذِینَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ وَتَوَاصَوْا بِالْحَقِّ وَتَوَاصَوْا بِالصَّبْرِ»[[13]](#footnote-13)**

# خطبه دوم

اعوذ بالله السمیع العلیم من الشیطان الرجیم، بسم الله الرحمن الرحیم، **نحمده علی ما کان و نستعینه من امرنا علی ما یکون و نؤمن به و نتوکل علیه و نستغفره و نستهدیه و نعوذ به من شرور انفسنا و سیئات اعمالنا و نصلی و نسلم علی سیدنا و نبینا العبد المؤید و الرسول المسدد المصطفی الأمجد ابی‌القاسم محمد (ص) و علی امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب و علی صدیقة الطاهرة فاطمة الزهراء و علی الحسن و الحسین سیدی شباب اهل الجنة و علی ائمة المسلمین علی بن الحسین و محمد بن علی و جعفر بن محمد و موسی بن جعفر و علی بن موسی و محمد بن علی و علی بن محمد و الحسن بن علی و الخلف القائم المنتظر (عج)، حججک علی عبادک و أمنائک فی بلادک، ساسة العباد و ارکان البلاد و ابواب الایمان و امناء الرحمان و سلالة النبیین و صفوة المرسلین و عترة خیرة رب العالمین صلواتک علیهم اجمعین.**

اعوذ باللّه السمیع العلیم من الشیطان الرجیم بسم اللّه الرحمن الرحیم **«یا أَیهَا الَّذِینَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ حَقَّ تُقَاتِهِ وَلَا تَمُوتُنَّ إِلَّا وَأَنْتُمْ مُسْلِمُونَ»[[14]](#footnote-14) عِبادَالله اُوصیَکُم وَ نَفسیِ بِتَقوَی اللّه وَ مُلازِمَة اَمرِه وَ مُجانِبَة نَهیِه وَ تَجَهَّزوا رَحِمَکم اللّه، فَقَد نُودِیَ فیکُم بِالرَّحیل وَ تَزَوَّدوا فَإِنَّ خَیرَ الزّاد التقوی.**

# آزمایشات الهی

عرض من با دو آیه‌ای که در سوره اعراف آمده است شروع می‌شود. در سوره اعراف اشاره‌ای به تعداد زیادی انبیاء بزرگ الهی شده است و بعدازاینکه خداوند یک‌به‌یک انبیاء را نام می‌برد و اینکه آن‌ها مأمور شده‌اند مردم را به راه خدا هدایت کنند و بعدازآن این آیه است:

**«وَمَا أَرْسَلْنَا فِی قَرْیةٍ مِنْ نَبِی إِلَّا أَخَذْنَا أَهْلَهَا بِالْبَأْسَاءِ وَالضَّرَّاءِ لَعَلَّهُمْ یضَّرَّعُونَ»[[15]](#footnote-15)**

بعدازاینکه در این سوره داستان انبیاء را ذکر می‌کند در اواخر داستان تعدادی از انبیاء می‌فرماید: این قانون ماست وقتی‌که ما در میان امتی پیامبری را مبعوث می‌کنیم آن مردم را دچار امتحانات و آزمایش‌هایی می‌کنیم. تا آن‌ها در این آزمایشات تضرع به درگاه خداوند پیدا کنند و به‌سوی خدا حرکت کنند. یعنی قانون و سنت الهی این است که ما برای رهایی مردم و هدایت آن‌ها و آزادی از هواها و نفس‌ها انبیاء را ارسال می‌کنیم که با آمدن انبیاء آزمایش‌ها پدید می‌آید. مبادا مؤمنان و کسانی که رهبران الهی در بین آن‌ها مبعوث می‌شوند گمان برند که به این آزمایش‌ها مبتلا نمی‌شوند. سنت خدا این است که بعد از آمدن انبیاء آزمون‌ها برپا می‌شود که تا نیکان و ناصالحان شناخته شوند. فلسفه اصلی انقلاب انبیاء این است که بشر به کمالات معنوی برسد و برای وصول به این کمالات مورد آزمایش قرار می‌گیرد و در آیات بعد آمده است که اگر آن‌ها به این آزمایش‌ها پشت کنند:

**«فَأَخَذْنَاهُمْ بَغْتَةً وَهُمْ لَا یشْعُرُونَ»[[16]](#footnote-16)**

آن‌ها را ناگهان به سبب اعمالشان گرفتیم و مجازات کردیم، درحالی‌که نمی‌فهمیدند.

این قانون خداست، انقلاب شکوهمند ما هم یکی از مصادیق این رهبران الهی است و یکی از نمونه‌ها و تجلیات تحولات الهی است و وقتی‌که تحولی پدید آید امتحان‌هایی برپا می‌شود و اگر مردم به آن امتحانات پشت کردند آن‌ها را ناگهان به سبب اعمالشان گرفتیم و مجازات کردیم، درحالی‌که نمی‌فهمیدند.

در آیات بعدی آمده است که اگر آن‌ها در امتحانات راسخ بمانند و صحنه‌های گوناگون امتحانات را به‌خوبی پشت سر بگذارند ما برکات آسمان و زمین را بر آن‌ها نازل می‌کنیم، این فرمان و وعده الهی است. بعدازاین دو یا سه آیه وارد داستان حضرت موسی (ع) می‌شود. در جریان قضیه حضرت موسی (ع) یکی از چیزهایی که از قوم بنی‌اسرائیل نقل می‌کند این است که در بین آن کلماتی که قوم بنی‌اسرائیل داشتند و موضع بدی در مقابل پیامبر خود داشتند این است که:

**«قَالُوا أُوذِینَا مِنْ قَبْلِ أَنْ تَأْتِینَا وَمِنْ بَعْدِ مَا جِئْتَنَا قَالَ عَسَی رَبُّکمْ أَنْ یهْلِک عَدُوَّکمْ وَیسْتَخْلِفَکمْ فِی الْأَرْضِ فَینْظُرَ کیفَ تَعْمَلُونَ»[[17]](#footnote-17)**

یکی از حرف‌های مغرضین در برابر انبیاء و پیامبران این بود که آدم‌های کم‌ظرفیت و مغرض در برابر تحولات و انقلاب‌های انبیاء الهی چه تفاوتی با گذشته کرده است؟ قیل از آن ما زحمت داشتیم اکنون هم داریم، قبل از اینکه تو بیایی ما آزار و اذیت می‌شدیم، جنگ و سختی داشتیم و حال هم همین‌گونه است و خداوند پاسخ می‌دهد که این‌ها برای آزمایش است، بایستید و اگر خوب ایستادگی کنید شمارا بر دشمنان پیروز می‌کند.

آن سختی و جنگ‌های قبیله‌ای قبل از اسلام عذاب خداوند بود و نکبتی بود که داخل جزیرة‌العرب را فراگرفته بود اما جنگ‌های بدر، احد، خندق و خیبر جنگ‌هایی بود که انسان‌ها در آن به قله‌های کمال می‌رسیدند، انسان‌ها را به اوج معنویت و قرب روحی خدا می‌رساندند. این جنگ با جنگ قیل هیچ تشابهی ندارد و جنگ حق و باطل است.

# انقلاب اسلامی یک اعجاز الهی

انقلاب ما هم بدون هیچ تردیدی تجلی اعجاز الهی در این قرن است. بارها این را شنیده‏اید که با معادلات سیاسی معمولی انقلاب اسلامی ایران قابل‌تسخیر و تعقل نبود. چه کسی فکر می‌کرد که یک شخصیتی که در سنین پیری قرار دارد وارد یک انقلاب بزرگی شود که همه دنیا را مورد تحول قرار دهد. تأثیر انقلاب در دنیا چیز کمی نیست، دشمن‌های دین به خاطر ما تظاهر به دین کردند. مبنای فلسفی حزب بعث عراق بر طرد دین بود اما وقتی‌که دید یک انقلاب دینی با این عظمت پیش می‌رود او هم تظاهر به دین کرد. کانون‌های فساد و دوری از خدا با انقلاب شما فروریخت پس این پیروزی قدرت خداوند بود و همان نشانه پیروزی حق بود که در داستان انبیاء و در صدر اسلام ما می‌خواندیم و درک نمی‌کردیم.

اراده خدا در پایان قرن بیستم و در جهل آمیخته با علم بشر و در این غوغای تمدن غرب این بود که یک شخصیت بزرگی را که از جوانی درراه خدا قدم برداشت و همه اعمال و رفتارش خدایی بود و در سن هفتادسالگی پا به میدانی گذاشت که پشت قدرت‌های الهی را لرزاند و شیطان‌های بزرگ استکبار را به زمین افکند. این‌ها همه قدرت خداوند و تلاش رهبر و مردم به دست آمد. این‌یک اعجاز بود در بین مردم آن فضای فحشا و منکر و دوری از خدا که طاغوت و استکبار بر کشور تحمیل کردند آن فضایی که در پایگاه کشور امام صادق (ع) و کشور رسول (ص) و کشور امام زمان (عج) ایجادشده بود، ناگهان دستی از غیب بیرون آمد که کشور را متحول کرد. امام همیشه روی این نکته تأکید داشتند که بالاترین دستاورد انقلاب تحولی بود که در جوانان ما پیدا شد آن آگاهی و بصیرتی بود که بر نسل رشید و فداکار این ملت بزرگ پیدا شد. ما در جنگ و در انقلاب انسان‌های بزرگ ساختیم، این اساس فلسفه و دستاورد انقلاب اسلامی است و این رهبر عظیم‌الشأن ما با دست‌خالی و بدون اتکا به هیچ قدرت بیگانه‌ای با اتکا به مردم و جوان‌های رشید و نیروی ایمان مردم بر همه آن‌ها غالب و پیروز شد و این هم آزمایشی بود که برای ما پدید آمد و این قانون خداست. اکنون دشمنان ‌وقتی‌که دیدند یک ملت با دست‌خالی، این‌گونه دارای مقاومت است دست به توطئه زدند اما این ملت باقی ماند و آینده آن‌هم نیاز به حضور درصحنه دارد و آخرین و مهم‌ترین چیزی که بعدازآن همه ضربه‌هایی که به ما زدند همان چیزی است که اکنون هم در جریان است. در ابعاد مختلف این‌گونه بوده که یک نمونه ازلحاظ اقتصادی است که از بیرون و داخل نقشه و طرح ایجاد می‌کنند. آمریکا به متحدان خود فشار می‌آورد که ما را تحت محاصره قرار دهند، در اینجا پیروز کسی است که در این گردش‌های کار و تحولات بایستد. اگر ما را سست کنند آن‌وقت یک شکست خفت‌بار بر ما تحمیل خواهد شد و خیانت بزرگی به اسلام خواهد شد.

# انواع نقشه‌های دشمن

انواع نقشه‌های دشمن که ملت ما را تهدید می‌کنند:

- از همه آن‌ها مهم‌تر تهاجم فرهنگی و شبیه خون فرهنگی است که بارها مقام معظم رهبری (دامت ظله) به آن اشاره فرمودند. امروز محورهای اصلی تهاجم فرهنگی این است که کار و مغز ما را مورد هدف قرار بدهند. کار تهاجم فرهنگی این است که جوان فداکار ما، دانش‌آموز و دانشجو و نسل جوان ما را از درون به‌طور کامل خالی کنند. اولین چیزی که به‌عنوان رأس تهاجم فرهنگی در کشور ما تعقیب می‌شود دست‌های آشکار و نهان را دنبال می‌کنند و کسانی هم در معرض این توطئه قرار می‌گیرند، فساد، فحشا و منکرات است. امروز فساد، فحشا و منکرات غیرازآن قبح ذاتی که دارد سلاح دشمنان است. امروز دشمنان این سلاح را در دست گرفته‌اند تا ام‌القری اسلامی و ایران اسلامی را شکست دهند.

- دوم اینکه ما را از انقلاب مأیوس کند، روح یأس و ناامیدی را در ما ایجاد کند. در اینجا ما باید فرهنگ قرآن را بفهمیم، از دید قرآن اگر بنگریم این‌ها همه آزمایشات الهی است. باید مقاومت کرد همان‌طور که شما ملت بزرگ در جنگ مقاومت کردید.

- خطر سوم این است که شبهه و تزلزل را به مبانی اسلام وارد کنند و کاری کنند که ما به مبانی اصلی انقلاب بی‌اعتنا شویم.

**نسئلک اللهم و ندعوک باسمک العظیم الاعظم الأعزّ الأجلّ الاکرم یا الله ... یا ارحم الرحمین. اللهم ارزقنی توفیق الطاعة و بعدالمعصیة و صدق النیّة و عرفان الحرمة؛ اللهم انصر الاسلام و اهله و اخذل الکفر واهله.**

1. . سوره اعراف، آیه 43. [↑](#footnote-ref-1)
2. . سوره حشر، آیه 18 [↑](#footnote-ref-2)
3. . سوره البقره، آیه 263 [↑](#footnote-ref-3)
4. . سوره بقره ،آیه 263 [↑](#footnote-ref-4)
5. . شرح نهج البلاغة ابن أبی الحدید، ج 8، ص 282 [↑](#footnote-ref-5)
6. . سوره البقره، آیه 263 [↑](#footnote-ref-6)
7. . سوره البقره، آیه 264 [↑](#footnote-ref-7)
8. . همان [↑](#footnote-ref-8)
9. . سوره البقره، آیه 264 [↑](#footnote-ref-9)
10. . سوره البقره، آیه 261 [↑](#footnote-ref-10)
11. . سوره البقره، آیه 264 [↑](#footnote-ref-11)
12. . سوره الابراهیم، آیه 18 [↑](#footnote-ref-12)
13. . سوره والعصر [↑](#footnote-ref-13)
14. سوره آل‌عمران، آیه 102. [↑](#footnote-ref-14)
15. . سوره الاعراف، آیه 94 [↑](#footnote-ref-15)
16. . سوره الاعراف، آیه 95 [↑](#footnote-ref-16)
17. . سوره الاعراف، آیه 129 [↑](#footnote-ref-17)